

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال نوزدهم، شماره هفتادوسوم

بهار ۱۳۹۷

تحلیلی بر سیره‌نگاری شیعیان تا قرن پنجم هجری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱/۱۳

حسین حسینیان مقدم^۱

سیره‌نگاری، از کهن‌ترین شاخه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی است و شهر مدینه، نخستین مرکز تدوین سیره رسول خدا ﷺ است. نخستین اثر مکتوب شیعیان درباره سیره، کتاب تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین علی ع الجمل وصفین والنهروان من الصحابة است که در نیمه دوم قرن اول هجری نگارش یافت. از این اثر، می‌توان برداشت کرد که شیعیان تاریخ‌نگاری خود را با پیوند دو عصر رسالت و خلافت، با بن‌مایه دفاع از اندیشه امامت آغاز کردند تا بتوانند با تکیه بر عصر رسالت، اندیشه جانشینی امیر مؤمنان، علی ع را در عصر خلافت اثبات کنند. از این رو، شیعیان در گامی دیگر، به نگارش سیره نبوی روی آوردند تا ریشه‌های تفکر کلامی خود را در سیره رسول خدا ﷺ رهگیری کنند.

پژوهش حاضر، سیره‌نگاری شیعه را بر اساس مطالعه آثار مکتوب و با توجه به سیر زمانی آنها تا ابتدای قرن پنجم هجری با روش وصفی - تحلیلی بررسی کرده و ضمن پرداختن به مسائلی مانند: بنیان‌گذاری، توسعه‌بخشی و استمراردهی سیره‌نگاری، گونه‌های فکری و نوع تعامل سیره‌نگاران شیعی با

۱. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: moghadam@rihu.ac.ir

دیگران، به این نتیجه رسیده است که سیره‌نگاری در محافل علمی شیعی، با گزاره‌های پراکنده آغاز شده و در گذر زمان سامان یافته و عناوین ریزتری را در درون خود پدید آورده است. شیعیان با دو ریزجریان درونی و با تکیه بر آرای امامان علیهم‌السلام و از گذر توجه به چالش‌های سیاسی - فکری، حوزه جغرافیایی سیره‌نگاری را از مدینه به عراق، و حوزه فرهنگی آن را از انحصار یک جریان خاص به جریان شیعی توسعه دادند و محورهای جدیدی را در سیره‌نگاری گشودند.

کلیدواژگان: امامان شیعه علیهم‌السلام، شیعه، نقش علمی شیعیان، سیره‌نگاری، تاریخ‌نگاری.

مقدمه

سیره‌نگاری، با وجود جریان‌های موافق و مخالف با نگارش در ابتدای عصر خلافت، کهن‌ترین شاخه تاریخ‌نگاری اسلامی برای یافتن راهکار خروج از مشکلات جامعه و اهرمی برای اثبات آرای سیاسی - اجتماعی گروه‌های رقیب بود. سَهْل بن ابی حَثْمَه (حِثْمَه)، به احتمال در گذشته سال ۴۱ق، قدیمی‌ترین سیره‌نگار است که مغازی او سال‌ها مورد استفاده بود.^۱ برخلاف نظر سزگین،^۲ سعید پسر سعد بن عباده کتابی در باب سیره نبوی نداشت و از او در کتاب‌شناسی‌ها یاد نشده است. روایات و کم‌حدیث‌بودن سعید،^۳ نشان

۱. ابن حجر، الاصابه، ج ۲، ص ۱۹. ذهبی، ابن حَجَر و صَفْدی، به تردیدهایی درباره خَلَط اخبار سَهْل با پدرش و سَهْل حَنْظَلِیَه بهایی نداده و سَهْل را در گذشته زمان خلافت معاویه دانسته‌اند. (رک: ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۲۱۸؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۴، ص ۶۵؛ ابن حجر، تقریب التهذیب، ج ۱، ص

۳۹۸؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۶، ص ۷)

۲. سزگین، تاریخ التراث العربی، التدوین التاريخی، ص ۶۵.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۶۰.

می‌دهد که او دفترچه‌ای شامل برخی مسائل حدیثی - فقهی داشته^۱ که نمی‌توان از آن به سیره‌نگاری یاد کرد.

نخستین سیره‌نگاشته‌ها، نامسجم و شامل اخباری پراکنده بود؛ به‌گونه‌ای که وقتی عروة بن زبیر (م ۹۴ق) آن را سامان داد، نخستین مورخ یا نخستین مغازی‌نگار یا سرآمد مغازی‌نویسان خوانده شد.^۲ بنابراین، اگر کتاب تسمیه من شهد مع امیر المؤمنین علی علیه السلام الجمل وصیفین والنهروان من الصحابة اثر عبیدالله بن ابی‌رافع (م ۸۰ق) را نخستین تاریخ‌نگاشته شیعی بدانیم، باید ورود شیعه به عرصه تاریخ‌نگاری را با اندکی تأخیر ارزیابی کنیم؛ زیرا او از شهادت حُجْر بن عدی در سال ۵۲ق نیز یاد کرده است.

اخبار پابرجا از سیره‌نگاشته‌های شیعی نشان می‌دهد که سیره‌نگاری شیعه با حدود یک قرن تأخیر زمانی و به انگیزه تبیین فضایل، جایگاه و نقش امام علی علیه السلام و یافتن ریشه‌های تفکر مذهبی در عصر رسالت آغاز شده است. در این میان، برخی از شیعیان، بیشتر با دیدگاه فضایی، و برخی با نگاه تاریخی، به سیره‌نگاری پرداختند و روایاتی از امامان علیهم السلام را به حوزه سیره‌نگاری وارد کردند. بنابراین، تحلیل علل و زمان ورود شیعه به نگارش سیره نبوی و چرایی تأخیر آن، درخور توجه است.

تاریخ‌نگاری‌هایی مانند: تاریخ‌نگاری در اسلام^۳ از روزنتال^۴، التاریخ العربی والمؤرخون اثر شاکر مصطفی^۵ و تاریخ‌نگاری در اسلام نگاشته سجادی و عالم‌زاده^۶، به

۱. رک: بخاری، التاریخ الصغیر، ج ۳، ص ۴۹۸؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲. رک: بخاری، التاریخ الکبیر، ج ۴، ص ۳۲؛ سخاوی، الاعلان بالتوہین، ص ۸۸.

۳. فرانتس روزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۶ش.

4.. Rosenthal.

۵. شاکر مصطفی، التاریخ العربی والمؤرخون، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۷۸م.

۶. سید صادق سجادی و هادی عالم‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، تهران: سمت، ۱۳۸۹ش.

دلیل گستردگی به ارائه فهرست اجمالی از سیره‌نگاری‌ها بسنده کرده‌اند. «المغازی الأولى ومؤلفوها»^۱ از هوروفتس^۲ یا مقاله «سیره‌نگاری در تاریخ اسلام» اثر محمد طیبی^۳ نیز بدون توجه به سیره‌نگاری شیعیان، با کاستی پیش‌گفته روبه‌روست. سیدحسین مدرسی در میراث مکتوب شیعه^۴ با رهگیری برخی اخبار، به محتوای آثار نزدیک شده است. در این میان، جعفریان به طور خاص «تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»^۵ را برجسته کرد و سبب تدوین آثاری شد که کاستی‌های پیشین را ندارند؛ اما در اثر گستره زمانی، مکانی و موضوعی، پاسخ‌گوی برخی پرسش‌ها در سیره‌نگاری نیستند.

پژوهش روبه‌رو با تکیه بر منابع کهنی مانند: فهرست ندیم (م. بعد از ۳۸۰ق)، رجال نجاشی (م ۴۵۰ق) و رجال و فهرست طوسی (م ۴۶۰ق) با رویکرد تحلیلی، به نقش شیعیان در پایه‌گذاری، توسعه، حفظ و استمرار سیره‌نگاری، با تکیه بر جایگاه علمی سیره‌نگاران، عوامل انگیزشی، گرایش‌ها و رویکردهای فکری و تأثیرگذاری آنان بر نسل‌های بعدی می‌پردازد. گفتنی است، ندیم کتاب فهرست را با ۶۰/۰۰۰ عنوان کتاب نگاشت و از آن به فهرست العلماء یا به تعبیری فوز العلوم یاد شده است.^۶ طوسی الفهرست را با هدف شناسایی مؤلفان و فهرست کردن دفترچه‌های حدیثی اصحاب امامان علیهم‌السلام با بیش از ۹۰۰ مؤلف و حدود ۲۰۰۰ اثر شیعی بر اساس نام مؤلفان نگاشت و هم‌زمان به تدوین کتاب رجال به

۱. یوسف هوروفتس، المغازی الأولى ومؤلفوها، ترجمه حسین نصّار، قاهره: ۱۳۶۹ق / ۱۹۴۹م.

2.. JOSEPH HOROVITZ.

۳. رک: محمد طیبی، «سیره‌نگاری در تاریخ اسلام»، نامه تاریخ‌پژوهان، ش ۸ و ۹، ص ۱۲۷ - ۱۳۹.

۴. سید حسین مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه، دفتر اول، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳ش.

۵. جعفریان، «تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۴۱.

۶. ابن حجر، لسان المیزان، ج ۵، ص ۷۲؛ آقابزرگ، الذریعة، ج ۱۶، ص ۳۷۲.

منظور معرفی روایان رسول خدا ﷺ و امامان علیهم السلام پرداخت^۱ و در هریک، به دیگری ارجاع داد.

نجاشی با بهره‌بردن از دو اثر طوسی، کتاب رجال خود را در دوره چیره‌دستی علمی^۲ و با هدف تبیین پیشینه علمی شیعه نگاشت و اعلام داشت نام و نشان بسیاری از آثار شیعه از میان رفته و اتهام بی‌پشتوانه بودن شیعه، اتهامی از سوی ناآشنایان به تاریخ علم است.^۳ او با شرح حال ۱۲۷۱ تن از صاحبان آثار و روایتگران آنها، دانشنامه فرهنگی - تمدنی شیعه را تا اواخر عصر آل بویه یا به تعبیری تاریخ تمدن کوفه را در بازه زمانی یادشده تدوین کرد.

نگارش سیره

سیره، بر گرفته از «سیر» به معنای رفتن و جریان داشتن، در لغت به هر حالت خوب و بدی گفته می‌شود که انسان یا غیرانسان آن را به طور غریزی یا اکتسابی دارد^۴ و این معنا، در قرآن و کلمات امام علی علیه السلام نیز به کار رفته است.^۵ سیره در اصطلاح مورخان، گاهی به حالات و عملکرد شخص، خاندان، گروه، مجموعه حوادث یا برخورد با یک جریان خاص گفته می‌شود که در عصر یک شخص، خاندان یا گروهی رخ داده باشد. از این رو، نگارش حالات، عملکرد و حوادث در عصر رسول خدا ﷺ «السیرة النبویة» نامیده شد و بزوفری (م.ق ۴ق) با در نظر داشت همین معنا، کتاب سیرة النبی ﷺ و الائمة علیهم السلام فی

۱. طوسی، رجال، ص ۱۷.

۲. آقابزرگ، الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۵۴؛ نجاشی، رجال، ص ۵۷ و ۳۳۲.

۳. نجاشی، رجال، ص ۳.

۴. راغب، محاضرات، ص ۲۴۷.

۵. سوره طه، آیه ۲۱؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۶۲.

المشركين^۱ را نوشت و عوانته بن حکم (م ۱۵۸ق) نیز کتاب سیره معاویه و بنی امیه^۲ را تدوین کرد. سیره در این نوشتار، در همان مفهوم تاریخی استفاده شده است و بدون قید، معمولاً در مفهوم سیره نبوی به کار می‌رود و مغازی به معنای نبرد نیز گاهی در مفهوم سیره استفاده می‌شود؛ همان‌گونه که سنت به معنای دوام و جریان داشتن چیزی، گاهی معادل سیره است. گفتنی است که مراد از سیره در این نوشتار، سیره در اصطلاح مورخان است و سیره‌نگاری، به معنای نگارش سیره نبوی است که بدین ترتیب، سیره‌گویی از قلمرو موضوعی نوشتار خارج است و صاحبان آثاری که به طور ضمنی و به مناسبت، اخباری از سیره نبوی را نقل کرده باشند، سیره‌نگار یاد نمی‌شوند؛ به عنوان نمونه، امام سجاد علیه السلام (م ۹۵ق) با فرض داشتن کتاب، صحت انتساب این سخن که «كُنَّا نَعْلَمُ مَغَازِي النَّبِيِّ وَسَرَايَاهُ»^۳ و تحریف‌زدایی از سیره نبوی، سیره‌نگار شمرده نشده است. با تدوین سیره امام علی علیه السلام در دو محور تسمیه و نبردها، حاکمیت مروانی در صدد حذف نقش امام علی علیه السلام و اخبار مربوط به مخالفان خود در عصر نبوی برآمد. هم‌زمانی این مسئله با سامان‌مند شدن نگارش سیره نبوی، خطر تحریف را ماندگارتر کرد. بر این پایه، امام سجاد علیه السلام و امامان بعدی، واکنش نشان دادند؛ ولی بدون توصیه به نگارش سیره یا ارزیابی سیره‌نگاشته‌ای،^۴ زمینه‌ساز تدوین سیره نبوی شدند و شیعه با دریافت این خطر، به نگارش سیره نبوی پرداخت تا فضایل، جایگاه و نقش امام علی علیه السلام را در عصر نبوی ترسیم کند.^۵

۱. نجاشی، رجال، ص ۶۷.

۲. ابن ندیم، فهرست، ص ۱۰۳.

۳. خطیب بغدادی، الجامع لآخلاق الراوی، ج ۲، ص ۱۹۵.

۴. درحالی‌که آنان را به فراگیری فقه، حدیث و کلام تشویق نموده، آثار مربوطه را ارزیابی می‌کردند. (ر.ک:

نجاشی، رجال، ص ۲۱۷، ۳۲۰ و ۴۴۷؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۲۰)

۵. ر.ک: حسینیان مقدم، «نقش امام سجاد علیه السلام در تحریف‌زدایی از سیره نبوی»، پژوهش‌های تاریخی، ش

۱، ص ۵۷ - ۷۲.

هم‌زمانی تقریبی نخستین تدوین سیره نبوی توسط شیعه و فشار حاکمان به سیره‌نگاران برای تحریف نقش امام علی علیه السلام و انصار،^۱ فرض پیش گفته را تأکید می‌نماید. ابان بن تغلب (م ۱۴۱ق)، نخستین شیعه‌ای بود که با احساس چنین خطری و با توجه به نیازهای جامعه آن روز، پیش‌تاز تدوین سیره نبوی بر اساس فضایل امام علی علیه السلام و با رویکرد حدیثی شد. به نظر می‌رسد که آغاز سیره‌نگاری شیعه، در دوره انتقال قدرت از امویان به عباسیان باشد؛ دوره‌ای که با شکل‌گیری عام، گسترده و منظم‌تر تدوین، سیره‌نگاری رویکردهای متنوعی را تجربه کرد و هم‌زمان با ایجاد اندک فضای باز سیاسی برای شیعه، شیعیانی در نگارش سیره ایفای نقش کردند. آنچه این گمانه را تقویت می‌کند، آن است که ابان با وجود صحابی امام سجاد علیه السلام بودن، روایات سیره را از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل کرده است.^۲

گرایش‌های شیعی در سیره‌نگاری

امامیه و فطحیه، دو گرایش مذهبی، و از سویی، هم‌گرایی و واگرایی دو رویکرد درون شیعی در سیره‌نگاری است. گرایشی به نمایندگی ابان بن تغلب فقیهانه، امامی اعتدالی و تعامل‌گرا بود که بر موسی بن عقبه (م ۱۴۱ق) تأثیر گذارد و روایات خود را از طریق او به دیگران منتقل کرد. پس از وی، این گرایش را ابان آخمر (زیسته در سال ۱۷۰ق)، ابن ابی عمیر (م ۲۱۷ق) و احمد برقی (م ۲۸۰ق) استمرار دادند. فطحیه نیز به نمایندگی علی بن فضال (زیسته در ۲۷۰-۲۹۰ق) با رویکرد تعاملی، به سیره‌نگاری روی آورد و از منابع فطحیه، زیدیه، امامیه و کتاب‌ها و اخبار امامان علیهم السلام بهره برد. ابن قداح (م.ج

۱. زبیر بن بکار، الاخبار الموقفیات، ص ۳۳۱ - ۳۳۴؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۲۲، ص ۱۵؛ ابن عماد،

شذرات الذهب، ج ۱، ص ۲۲۱.

۲. رک: مفید، الامالی، ص ۱۱۳؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۵۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه

دمشق، ج ۴۲، ص ۳۱۱؛ ابن عقده، الولایه، ص ۲۲۵.

۱۸۰ق) معتقد به تبری و واگرایی بود و به احتمال از جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۸ق) تأثیر پذیرفته و از گرایش استادش ابان بن تغلب دور شده بود. روایات برقی از ابن قَدّاح، بیانگر تمایل او به چالش با مخالفان است. هر دو گرایش هم‌گرا و واگرا در استفاده از فضایل اهل بیت علیهم‌السلام، برای اهداف کلامی مشترک بودند؛ همان‌گونه که منبع معرفتی آنان، به روایات و دیدگاه‌های اهل بیت علیهم‌السلام منتهی می‌شد.

در کنار این دو گرایش، جریان غلو با پیشتازی عبدالرحمن بن کثیر هاشمی (م. نیمه ۲ق) و ابن جمهور عمّی (م ۲۱۰ق)، کرخی (م. نیمه اول ۳ق)، ابن خُرّزاد (م. ۳ق) و حسن بن حمدان خصبی (م ۳۵۸ق) و مواضع تبرّی‌جویانه تندتری به صحنه آمد. نجاشی آنان را فاسد‌المذهب خواند؛ ولی علی بن ابراهیم قمی (زیسته در ۳۰۷ق) با نگاهی آرام‌تر، عبدالرحمان را ثقه شمرد. در این میان، گرایش چهارمی بدون دغدغه‌های کلامی، با گرایش تاریخی - منطقه‌ای و همسو با جریان عمومی، به نمایندگی ابومخنف (م ۱۵۷ق) و هشام کلبی (م ۲۰۶ق) به سیره‌نگاری پرداختند و به مورخ مشهور شدند. بسیاری از سیره‌نگاران شیعه در بازه زمانی مورد گفت‌وگو، از موالیان بودند؛ اما اندیشه شعوبی‌گری و افتخار به سوابق ملی نداشتند. گرایش‌های سیره‌نگاران شیعی در بازه زمانی مورد گفت‌وگو، به لحاظ هدف به دو دسته فضایل‌نگار و تاریخ‌نگار، و به لحاظ نگارش به دو دسته عمومی‌نویس و موضوعی‌نویس تقسیم می‌شوند.

سیره‌نگاران شیعی

سیره‌نگاران بر اساس سیر زمانی و با توجه به گرایش، اهداف و شیوه نگارش بررسی می‌شوند تا در گذر زمان، تأثیر و تأثرها نمایان‌تر باشد. افزون بر اشاره به تبار و گرایش فکری آنان، اتهام شعوبی‌گری را از سیره‌نگاری شیعی می‌زداید.

۱. ابان بن تغلب بکری (م ۱۴۱ق)

مولای بنو جُرَیر، فقیه، محدّث و ادیب کوفه و از صحابیان امام سجاد علیه‌السلام، امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام است. او با تکیه بر خردورزی و اعتدال، جایگاه و نقش

امامان علیهم السلام را برجسته کرد و مرجع علمی شیعه و غیر شیعه شد؛^۱ به گونه‌ای که ذهبی (م ۷۴۸ق) از او به عنوان امام و پیشوایی یاد کرده که اگر حدیث او پذیرفته نشود، بسیاری از آثار نبوی از بین می‌رود.^۲ حدود سیصد روایت از ابان نقل شده که جز یازده مورد، بقیه از امامان علیهم السلام است^۳ و این، نشانه اتکای سیره‌نگاری او بر آرای اهل بیت علیهم السلام است. ابان پس از جریانی که امام سجاد علیه السلام در تحریف‌زدایی سیره ایجاد کرد، سیره‌نگاری شیعی را با پرهیز از چالش با مخالفان و با رویکرد حدیثی، بر اساس فضایل امام علی علیه السلام آغاز کرد. او در باب سیره، از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت کرد؛ ولی با اینکه صحابی امام سجاد علیه السلام بود، روایتی از آن امام ندارد. از ابان کتابی در سیره نبوی به دست نیامد؛ ولی زندگانی او در قرن دوم، نگارنده بودن، تاریخ‌نگار بودن و داشتن اخباری در منابع شیعی و سنی در باب سیره، بیانگر سیره‌نگار بودن اوست و از آنجا که سیره‌نگارانی مانند ابان أخمر و شاگرد او محمد بن ابی عمیر، کتاب‌های مغازی خود را از ابان بن تغلب نقل کرده‌اند، می‌توان او را مؤلف کتابی به نام مغازی حدس زد.

۲. ابومخنف، لوط بن یحیی آزدی (م ۱۵۷ق)

مورخ مشهور عرب کوفی و در شمار شیعیان و صحابیان امام صادق علیه السلام است. تشیع خاندانی،^۴ نقل خبر «قائم»،^۵ بیان اشعار وصایت امام علی علیه السلام و نیز سکوت نجاشی و

۱. رک: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۲۰؛ نجاشی، رجال، ص ۱۰ - ۱۳؛ ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۵۴۶؛

طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۲۲ - ۶۲۳؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۶۰؛

احمد بن حنبل، العلیل ومعرفة الرجال، ج ۳، ص ۲۸۴؛ حاکم نیشابوری، معرفة علوم الحديث، ص ۱۳۶؛

ابن عدی، الكامل، ج ۱، ص ۳۹۰.

۲. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵ - ۶؛ همو، الکاشف، ج ۶، ص ۳۰۸.

۳. خوبی، معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۳۷.

۴. رک: ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۱۴؛ همان، ج ۶، ص ۱۰۹.

۵. صدوق، کمال الدین، ص ۲۹۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۷.

طوسی درباره مذهب او، درخور دقت است؛ به‌ویژه که نجاشی روایات او را پذیرفتنی شمرده است.^۱ او در تاریخ‌نگاری، از راویان جابر بن یزید جُفعی (م ۱۲۸ق) بود و اندکی پس از ابان بن تغلب، با نگارش کتاب مغازی، حوادث عصر نبوی را بررسی کرد. منابع، از اخبار سیره او استقبال نکرده‌اند. شاید سبب این مسئله، آن باشد که هم محدثان اهل سنت، مورخان عراقی را ناآگاه به سیره می‌شمردند^۲ و هم وی با مسائل کلامی، فقهی و فضایی مورد نظر شیعه، ارتباط چندانی نداشت و کمتر به روایات امامان علیهم‌السلام تکیه می‌کرد.

۳. عبدالله بن میمون قَدّاح (م.ح ۱۸۰ق)

فارسی تبار، ساکن مکه، مولای مخزومیان، محدث، فقیه و صحابی امام صادق علیه‌السلام^۳ و در شمار سیره‌نگاران امامی مذهب بود که هم برخلاف ابومخنف بر روایات اهل بیت علیهم‌السلام تکیه کرد و هم برخلاف ابان بن تغلب رویکرد چالشی را برگزید. روایات او، بیشتر از امام صادق علیه‌السلام است و ابراهیم بن هاشم (م ۲۶۰ق) و احمد برقی (م ۲۸۰ق) برخی اخبار سیره را از او گرفته‌اند.^۴ رویکرد چالشی ابن قَدّاح، سبب شد رجالیان اهل سنت او را تضعیف و غالبانی مانند ابوالخطاب از وی روایت کنند.^۵ ویژگی ابن قَدّاح، پرداختن به ریزموضوعات

۱. نجاشی، رجال، ص ۳۲۰.

۲. سرخسی، شرح السیر الکبیر، ج ۱، ص ۳۷۸.

۳. زرکلی، الاعلام، ج ۴، ص ۱۴۱. برای اطلاع بیشتر، رک: نجاشی، رجال، ص ۲۱۳ - ۲۱۴؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱۳، ص ۲۶۲؛ حافظ مزنی، تهذیب الکمال، ج ۱۶، ص ۱۹۸؛ ابن حجر، لسان المیزان، ج ۷، ص ۲۷۱. ابن قَدّاح مورد گفت‌وگو، غیر از محمد بن عماره قَدّاح (زیسته در ۲۳۶ق) و مؤلف کتاب نسب الانصار است. (رک: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۶۲) همان‌گونه که غیر از ابن قَدّاح اسماعیلی هاشمی (زیسته در ۲۷۰ق) است. (امین، اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۸۴ - ۸۶)

۴. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۱۲ و ۵۲۳.

۵. ابن عدی، الکامل، ج ۴، ص ۱۸۷ - ۱۸۹؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۵۱۲؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۴۶؛ ابونعیم اصفهانی، الضعفاء، ص ۹۸.

در سیره نبوی و نگارش کتاب مبعث النبی ﷺ و اخباره است^۱ که توان ماندگاری نیافت و اخبار برجای مانده از او، درباره مبعث و حتی حوادث عصر مکی خبری را بازگو نمی‌کند.

۴. ابان بن عثمان آخمر (زیسته در سال ۱۷۰ق)

مولای بَجِیلَه، صحابی امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام، محدث، مورخ، نسب‌شناس و ادیب کوفه بود.^۲ اتهام ناووسی بودن،^۳ سه دیدگاه را درباره پذیرش حدیث او پدید آورد.^۴ او ابتکار نگارش المبتدأ (المبدأ) والمعازی والوفاء والسقیفة والردة را داشت و گویا نخستین سیره‌نگاری باشد که با رویکرد جامع‌نگاری، از شیوه تک‌نگاری فاصله گرفت و در یک اثر از تاریخ انبیای گذشته شروع کرد، به خاتم آنان رسید و سقیفه و نبردهای ارتداد را بررسی نمود. این کتاب، دست‌کم تا قرن ششم حاکمیت علمی خود را حفظ کرد و در شمار مصادر برخی منابع تاریخی شیعه و سنی قرار گرفت.^۵ ابان بیشترین اخبار تاریخی خود را از امام صادق علیه السلام، و سپس از ابان بن تغلب روایت کرده است. سیره‌نگاران بعدی مانند ابن‌ابی عمیر و علی بن ابراهیم، از ابان روایت کرده‌اند^۶ که جایگاه و نقش علمی او را تأکید می‌کند. گویا

۱. نجاشی، رجال، ص ۲۱۳ - ۲۱۴؛ طوسی، الفهرست، ص ۱۶۸.

۲. نجاشی، رجال، ص ۱۳.

۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۴۰. ناووسیه، از غالبان شکل گرفته پس از امام صادق علیه السلام و معتقدان به زنده، قائم و مهدی بودن آن حضرت هستند. (شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۶۷؛ بغدادی،

الفرق بین الفرق، ص ۶۷)

۴. ر.ک: حلی، خلاصة الاقوال، ص ۷۴.

۵. ر.ک: یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶؛ ابوطالب زیدی، تیسیر المطالب، ص ۲۶، ۲۹ و ۳۱؛ طبرسی،

اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۹۳، ۲۱۲ - ۲۱۳، ۲۴۶ و ۲۵۱.

۶. ر.ک: خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۱۴۳ - ۱۵۴.

ابن سعد نخستین مورخی باشد که خبر اسارت عقیل و عباس عموی رسول خدا ﷺ را در پیکار بدر از ابان نقل کرده است.^۱

۵. هشام بن محمد کلبی (م ۲۰۶ق)

او عربی کوفی، صحابی امام صادق علیه السلام،^۲ شاگرد ابومخنف و عالم به اخبار و حوادث تاریخی بود^۳ و آثاری را در هشت شاخه تاریخ‌نگاری پدید آورد. هشام و واقدی (م ۲۰۷ق) معاصرانی هستند که برای نخستین بار دو کتاب *ازواج النبی ﷺ* و *امهات النبی ﷺ* را نگاشتند؛^۴ با این تفاوت که هشام، برخلاف واقدی، از ابومخنف روایت کرده است و این، شاهدی بر دو جریان فکری مخالف در سیره‌نگاری است. ازواج‌نگاری، پس از هشام کم‌وبیش در میان شیعه استمرار یافت و احمد برقی نیز به آن پرداخت.

۶. محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ق)

فقیه بغدادی، مولای مَهَلَّب بن ابی صُفْرَه (م ۸۲ق) و از اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام بود.^۵ شنیدن روایت از اهل سنت، رویکرد تعاملی ابن ابی عمیر را نشان می‌دهد؛ اما روایت آنان را به این دلیل نقل نکرد که کسی حدیث شیعی را به عامی و حدیث عامی را به شیعی نسبت ندهد. او مورد اعتماد شیعه و سنی و مؤلف کتاب *المغازی* است.^۶ سیره‌نگارانی مانند احمد برقی و ابراهیم بن هاشم (م ۲۶۰ق) از او روایت کرده‌اند.^۷ اخبار

۱. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۴، ص ۴۳.

۲. نجاشی، *رجال*، ص ۴۳۴؛ طوسی، *رجال*، ص ۳۱۹؛ خویی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۲۰، ص ۳۳۷؛

تستری، *قاموس الرجال*، ج ۱۰، ص ۵۶۹.

۳. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۶، ص ۳۴۲.

۴. ندیم، *فهرست*، ص ۱۰۸ - ۱۱۱.

۵. طوسی، *الفهرست*، ص ۲۱۸.

۶. نجاشی، *رجال*، ص ۳۲۷؛ طوسی، *الفهرست*، ص ۲۱۸ - ۲۱۹.

۷. نجاشی، *رجال*، ص ۳۲۶ - ۳۲۷؛ طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۸۵۴ - ۸۵۵.

متعددی رویکرد فقهی - فضائلی ابن ابی عمیر را نشان می‌دهد و می‌توان ادعا کرد که تاریخ‌نگاری وی، بر پایه اعجاز و کرامت‌نویسی بوده است.^۱ مورخان از آثار او استفاده نکرده و فقط منابع شیعی برخی اخبار پابرجا از وی را، بدون یادکرد از نام کتاب وی نقل کرده‌اند که به احتمال از کتاب مغازی او باشد. به نظر می‌رسد، هسته اصلی مغازی او، برگرفته از کتاب مغازی استادش ابان بن عثمان احمر و کتاب مغازی ابان بن تغلب باشد.^۲

۷. هارون بن مسلم بن سعدان (م. نیمه دوم قرن ۳)

عراقی ساکن سامرا،^۳ صحابی امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام و مورد اعتماد رجال‌شناسان است. عموم دانشیان رجال، او را شیعه می‌دانند و برخی وی را جبری‌مذهب و عامی دانسته‌اند.^۴ روایت او از امام عسکری علیه السلام که فرمود: «پس از من، فرزندم قائم است»،^۵ می‌تواند تأکیدی بر گرایش شیعی وی باشد. او کتاب مغازی را تدوین کرد؛ اما با استقبال منابع پسینی روبه‌رو نشد. منابع شیعی، بازتاب پیروزی جنگ بدر را در حبشه به طور محدود، و منابع سنی دو خبر «ردّ شمس» و «سلامت قبیله اسلم» را از هارون روایت کرده‌اند^۶ که نشانه رویکرد فضایی اوست.

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۶۸ - ۱۷۰؛ کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۷ - ۲۹۸.

۲. رک: صدوق، الامالی، ص ۲۶۷ و ۵۳۳؛ نجاشی، رجال، ص ۱۲.

۳. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۲۳.

۴. نجاشی، رجال، ص ۴۱۵؛ رک: وحید بهبهانی، تعلیقه علی منهج المقال، ص ۳۰۴؛ بحر العلوم، الفوائد الرجالیة، ج ۴، ص ۱۵ - ۱۸. جبریه، فرقه‌ای بودند که در اثر نفی فعل اختیاری از انسان، همه افعال را به خداوند نسبت می‌دادند و به دو شعبه: خالصه و متوسطه تقسیم می‌شدند. خالصه، هیچ عملی برای انسان قائل نبود و متوسطه قدرت انسان را در فعل او مؤثر نمی‌دانست. (رک: شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۸۵)

۵. طوسی، الغیبه، ص ۱۹۹.

۶. رک: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۱؛ مفید، الامالی، ص ۲۳۸؛ طوسی، الامالی، ص ۱۴؛ ابن حجر،

الاصابة، ج ۴، ص ۴۹۰؛ ابن کثیر، البدایة والنهایة، ج ۶، ص ۹۲.

۸. علی بن حسن بن فضال (زیسته در ۲۷۰ - ۲۹۰ ق)

از موالیان قبیله تیم‌الله بن ثعلبه، مشهور به ابن فضال تیملی (یا تیمی)^۱ و تصحیف شده به تمیمی، فقیه و محدث شیعه و صحابی کوفی امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام^۲ بود. ابن فضال با نگارش کتاب اثبات امامت عبدالله (افطح) اندیشه‌های فطحیه را تبیین نمود؛ اما دوستی خود را با امامیه حفظ کرد و مورد اعتماد آنان قرار گرفت.^۳ ابن فضال سیره‌نگاری را با نگارش کتاب اسماء آلات رسول الله صلی الله علیه و آله و اسماء سلاحه و نیز کتاب وفات النبی صلی الله علیه و آله^۴ استمرار بخشید. او نخستین سیره‌نگار شیعی است که ادوات نظامی رسول خدا صلی الله علیه و آله را به طور مستقل مطالعه کرده؛ اما ابن سعد (م ۲۳۰ ق) بنیان‌گذار این نوع مسائل بود^۵ و از سویی، واقدی (م ۲۰۷ ق) نخستین مورخی بود که با تدوین سیره ابی بکر و وفاته^۶ به وفات‌نگاری، هویت مستقلی داد. پس از او، سلمه بن خطاب براؤستانی از دورقانی (م ۲۷۰ ق) شیعه قزوینی ساکن ری، آن را با نگارش کتاب وفات النبی صلی الله علیه و آله^۷ به سیره‌نگاری پیوند داد. از آنجا که سلمه در نقل حدیث ضعیف بود، نباید آثار وی چندان مورد اعتماد بوده باشد. با این حال، جمیری و صفار، آن را روایت کرده و دست‌کم تا عصر نجاشی به حیات علمی خود ادامه داده است.^۸ ابن فضال این پیوند را با نگارش کتاب وفات النبی صلی الله علیه و آله استمرار بخشید. بنابراین،

۱. سمعانی، الانساب، ج ۱، ص ۴۹۷ - ۴۹۸.

۲. طوسی، رجال، ص ۳۸۹ و ۴۰۰.

۳. نجاشی، رجال، ص ۲۵۷ - ۲۵۹؛ طوسی، الفهرست، ص ۱۵۶.

۴. نجاشی، رجال، ص ۲۵۸. گویا نام کتاب، از «وفات» به «صفات» تصحیف شده باشد. (طوسی،

الفهرست، ص ۱۵۷)

۵. ر.ک: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۳ - ۳۹۰.

۶. ندیم، فهرست، ص ۱۱۱.

۷. نجاشی، رجال، ص ۱۸۷.

۸. ر.ک: نجاشی، رجال، ص ۱۸۷؛ طوسی، الفهرست، ص ۱۴۰.

ابن فضال نقش راوینگری و استمراربخشی داشته و از منابع فَطْحی و زیدی بهره برده است.^۱ به گفته عیاشی، او همه کتاب‌های امامان علیهم‌السلام را داشته است.^۲ این امر، نشان می‌دهد آثار و آرای امامان علیهم‌السلام از منابع معرفتی و نگارشی او در سیره‌نگاری بوده است.

۹. ابراهیم بن محمد ثقفی (م ۲۸۳ق)

عرب تبار کوفی و زیدی گراییده به امامیه، کوچیده از کوفه به اصفهان برای نشر فضایل امیر مؤمنان علیه‌السلام، استاد ابراهیم بن هاشم قمی (م ۲۶۰ق) و مؤلف آثار فراوانی از جمله: *المتبدأ، السیره و المغازی* بود.^۳ از این کتاب‌ها اثری در دست نیست و نمی‌توان درباره محتوا و تأثیرپذیری و اثرگذاری آنها سخن گفت. به احتمال، دو کتاب *السیره و المغازی*، نام یک کتاب یا بخش‌هایی از یک کتاب باشد؛ همان‌گونه که *السیر و المغازی* را نام کتاب ابن اسحاق (م ۱۵۱ق) گفته‌اند و ابان احمر نیز کتاب *المتبدأ و المغازی* داشته است؛ اما با فرض دو کتاب بودن، شاهد تفاوت معنایی مغازی و سیره در نگاه ثقفی خواهیم بود که در کتاب *مغازی* به جنگ‌های رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و در سیره به حوادث عصر مکی پرداخته و بدین ترتیب، پیشگام تفکیک معنایی سیره و مغازی شده است.

۱۰. احمد برقی قمی (م ۲۸۰ق)

فرزند محمد بن خالد، صحابی امام جواد علیه‌السلام و امام هادی علیه‌السلام و از عالمان شیعی بود که جدش از کوفه به برق‌رود قم آمد. احمد از ثقفی بهره برد و مسعودی (م ۳۴۶ق) او را در ردیف ابومخنف، ابن اسحاق، واقدی و ابن کلبی یاد کرد.^۵ به گفته طوسی، او در

۱. نجاشی، رجال، ص ۲۵۲ و ۲۸۸.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۱۲.

۳. نجاشی، رجال، ص ۱۷ - ۱۸.

۴. طوسی، رجال، ص ۳۷۳ و ۳۸۳.

۵. مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۲.

سیره‌نگاری کتاب *المغازی* را تدوین کرد؛ اما خبری از کتاب و محتوای آن، جز تک‌گزاره‌ای درباره ساختِ منبر رسول خدا ﷺ یافت نشد. برقی این خبر را به شکل فضایی، از علی بن حکم، از ابان بن تغلب، از ابی‌الجارود، از امام باقر علیه السلام روایت کرده است.^۱ گفتنی است که علی بن حکم، راوی ابان بن عثمان است؛^۲ اما با واسطه، از ابان بن تغلب نیز روایت دارد که احتمال می‌رود برقی در نقل خبر منبر و تدوین کتاب *مغازی*، از کتاب ابان احمر و ابان بن تغلب بهره برده باشد؛ همان‌گونه که از *مغازی ابوالبختری* (م ۲۰۰ق) نیز استفاده کرده است.^۳ از آنجا که برقی، از مغازی‌نگارانی مانند ابن‌قداح و ابن‌ابی‌عمیر^۴ روایت کرده، احتمال می‌رود، او روایتگر یک مغازی‌نگار خاص نباشد و کتابی را بر اساس مغازی‌نگاران متعددی فراهم آورده باشد.

برقی، افزون بر نگارش *مغازی*، کتاب *بنات النبی وازواجه*^۵ را نیز نگاشت و ریزموضوع‌نگاری در سیره را که هشام کلبی (م ۲۰۶ق) و واقدی (م ۲۰۷ق) بنیان نهاده بودند، استمرار بخشید. اخباری از کتاب برقی به دست نیامد و حدس درباره محتوای تاریخی، فقهی یا کلامی آن دشوار است؛ به‌ویژه که منابع شیعی، بیشتر چنین موضوعاتی را با رویکرد فقهی آورده‌اند و برقی نیز خبری را از امام کاظم علیه السلام درباره استحباب فراوانی تعداد همسران و شمار همسران حضرت سلیمان علیه السلام و رسول خدا ﷺ نقل کرده^۶ که نشان از رویکرد فقهی اوست؛ اما در خصوص نگارش *بنات رسول الله ﷺ* باید گفت که

۱. ابوطالب زیدی، *تیسیر المطالب*، ص ۳۲.

۲. خوبی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۱، ص ۱۴۰؛ همان، ج ۱۲، ص ۴۲.

۳. طوسی، *الفهرست*، ص ۱۷۳.

۴. ر.ک: کلینی، *الکافی*، ج ۵، ص ۳۱۲ و ۵۲۳؛ نجاشی، *رجال*، ص ۳۲۶ - ۳۲۷؛ طوسی، *اختیار معرفة*

الرجال، ج ۲، ص ۸۵۴ - ۸۵۵.

۵. طوسی، *الفهرست*، ص ۶۴.

۶. کلینی، *الکافی*، ج ۵، ص ۴۲۰ و ۵۶۷.

ابن سعد (م ۲۳۰ق) در کتاب *الطبقات الکبری* بابی به این نام گشوده^۱ و پس از وی، برقی نخستین شیعه‌ای است که به شکل مستقل در این خصوص قلم زده است. دشواری تحلیل محتوا و رویکرد کتاب برقی درباره دختران رسول خدا ﷺ و نیز احتمال نوعی تقابل با ابن سعد، دور از ذهن نیست.

۱۱. حسن بن خُزَّاد (خُرَزَاد) قمی (م.ق ۳ق)

به اعتبار استادش برقی (م ۲۸۰ق)، از راویان قرن سوم یا اوایل قرن چهارم شمرده می‌شود.^۲ او را کَشّی زیسته در قم یا قمی زیسته در کَشّ دانسته‌اند.^۳ به گفته عیاشی، ابن خرزاد به امام صادق علیه السلام نامه نوشته؛ اما فاصله زمانی و سند «ابن خرزاد عَمَنُ رواه عن ابی عبدالله»،^۴ بیانگر وجود حذفی در سند است. روایاتی از او درباره بزرگان شیعه، کفر مخالف امام علی علیه السلام یا جنّی خواندن شتر عایشه،^۵ بیانگر گرایش حدیثی - فضایی اوست و در پایان عمر نیز به غلو گرایید.^۶ گزینش و نقل روایت عَمْرُوبِن شَمِر (م.ق ۲ق) از جابر جَعْفی، می‌تواند نشانی از تفکر غلو در او باشد.^۷ با این حال، دانسته نیست که سیره‌نگاری او چه مقدار متأثر از غلو است. حسن با تدوین کتاب *اسماء رسول الله ﷺ*،^۸ نخستین نام‌نگار مستقل شیعی شمرده می‌شود؛ ولی پیش از وی، ابن سعد (م ۲۳۰ق)، ضمن بررسی

۱. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۹ و ۵۲؛ همان، ج ۱، ص ۴۹۹.

۲. عیاشی، *تفسیر عیاشی*، ج ۲، ص ۱۱۳.

۳. امین، *اعیان الشیعه*، ج ۵، ص ۶۳؛ *تستری*، *قاموس الرجال*، ج ۳، ص ۲۲۹.

۴. عیاشی، *تفسیر عیاشی*، ج ۱، ص ۲۱ و ۲۳۳.

۵. طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۱، ص ۳۴، ۵۸ و ۷۵ - ۸۸.

۶. نجاشی، *رجال*، ص ۴۴.

۷. صدوق، *معانی الاخبار*، ص ۶۳؛ خویی، *شرح العروة الوثقی*، ج ۸، ص ۳۷۰.

۸. نجاشی، *رجال*، ص ۴۴.

آنها نشان داده که همه را جُبَيْرِ بْنِ مُطَعَمٍ (م ۵۷-۵۹ هـ) در دوره اموی گردآورده، فرزندش نافع تدوین کرده و عبدالملک بن مروان (خ. ۶۵/۸۶ ق) نیز به تدوین آنها اهتمام داشته است.^۱

۱۲. حسین بن حمدان (م ۳۵۸ ق)

وی به اعتبار جدش، خصیبی و به اعتبار زادگاهش، جُنُبَلایی خوانده می‌شود و دومین نام‌نگار شیعی است. نجاشی و ابن غضائری، او را عالی، فاسد المذهب و دروغ‌گو شمرده و متأخرانی مانند امین، گرایش، جایگاه و نقش او را مثبت ارزیابی کرده و دو دیدگاه را درباره وی پدید آورده‌اند.^۲ خصیبی، شاگرد و راوی^۳ غالیان و جاعلانی مانند ابن‌جمهور عمی (م ۲۱۰ ق) و جعفر بن محمد بن مالک بَزَّازِ فزاری (م. اواخر ق ۳)^۴ است. او با تدوین کتاب *اسماء النبی ﷺ والائمة ﷺ*،^۵ نام‌نگاری را در سیره نبوی استمرار بخشید و آن را به قلمرو سیره امامان *ﷺ* توسعه داد. اثر او، مفقود است و بازتابی در منابع بعدی ندارد. آقابزرگ تهرانی (م ۱۳۸۹ ق) احتمال داده که طوسی از کتاب *تاریخ الائمة خصیبی*، به *اسماء النبی ﷺ* (م ۱۳۸۹ ق) یاد کرده است.^۶ بیان نام‌ها و گونه‌شناسی آنها، وجه تسمیه و دلالتشان بر تعظیم و احترام، راویان یهودی و مسیحی و توقیفی بودن نام‌ها، محورهایی است که ذیل اسامی رسول خدا *ﷺ* بررسی می‌شود؛^۷ اما محتوای کتاب ابن‌خرزاد و خصیبی، منعکس نشده و دانسته نمی‌شود آنان به چه مطالبی پرداخته‌اند. نکته درخور توجه آنکه شیعه و

۱. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. نجاشی، *رجال*، ص ۶۷؛ ابن غضائری، *رجال*، ص ۵۴؛ امین، *اعیان الشیعة*، ج ۵، ص ۴۹۰ - ۴۹۱.

۳. به عنوان مثال، رک: خصیبی، *هدایة الکبری*، ص ۳۷، ۳۸، ۷۰ و ۷۶.

۴. رک: نجاشی، *رجال*، ص ۱۲۲ و ۳۳۷.

۵. طوسی، *الفهرست*، ص ۱۱۰.

۶. آقابزرگ، *الذریعة*، ج ۳، ص ۲۱۶؛ همان، ج ۱۱، ص ۷۶.

۷. رک: نویری، *نهایة الارب*، ج ۱۶، ص ۷۲؛ نوری، *نفس الرحمان*، ص ۶۸؛ قطب‌الدین راوندی، *القاب*

الرسول وعترتہ، ص ۴.

سنّی، از نام‌نگاری مستقل استقبال نکرده‌اند و شاید سبب آن باشد که چالش‌زا یا مورد نیاز جامعه نبوده است.

۱۳. حسین بن محمد بن علی آزدی (م. اواخر ق ۳ق)

او در شمار مورخان و استاد مُنذِر بن محمد قابوسی (؟) بود.^۱ به اعتبار هم‌عصری منذر با کلینی (م ۳۲۹ق)، آزدی باید سیره‌نگار اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم باشد. آزدی، نخستین شیعه کوفی است که وفدنگاری را با هویت مستقل با نام *الوفود علی النبی ﷺ* درباره اطاعت‌پذیری قبایل نگاشت. وجود پیشینه، ناپایداری اثر، عدم ارجاع منابع به آن، نشان می‌دهد او نتوانسته سیره‌نگاری را توسعه دهد یا شاخه‌ای را تأسیس کند. آزدی، رویکرد تاریخی داشت؛ اما نقل شفابخش بودن تربت امام حسین علیه السلام،^۲ گرایش فضایی وی را نیز نشان می‌دهد. شاهد دیگر آنکه او شاگرد ابراهیم بن محمد بن ابی‌یحیی مدنی (م ۱۸۴ق)، از موالیان قبیله اَسَلَم و در شمار خواص امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بود که اهل سنّت حدیث وی را بدین سبب یا به موجب بدگوی از خلفای نخستین نپذیرفته‌اند.^۳

۱۴. مُنذِر بن محمد بن مُنذِر قابوسی (؟)

او نواده قابوس بن نعمان لَحْمی (؟)، از خاندان بزرگ ابوجَهْم و استاد ابن عَقْدَه کوفی (م ۳۳۳ق) بود که به کوفه کوچید و در شمار شیعیان مورد اعتماد قرار گرفت و افزون بر نگارش کتاب *وفود العرب الی النبی ﷺ*، کتاب‌های: *جامع الفقه، الجمل، صفین، النهروان و الغارات* را نگاشت.^۴ از آنجایی که مُنذِر راوی آثار آزدی است، احتمال می‌رود کتاب *وفود او*،

۱. نجاشی، رجال، ص ۶۵.

۲. طوسی، الامالی، ص ۳۱۹.

۳. طوسی، الفهرست، ص ۳۴.

۴. نجاشی، رجال، ص ۱۷۹ و ۴۱۸. برای اطلاع بیشتر از نسب وی، رک: تستری، قاموس الرجال، ج ۱۰،

خوانشی از کتاب استادش باشد و از گرایش فضایی وی تأثیر پذیرفته باشد. شاهدی دیگر بر رویکرد فضایی قابوسی، اخباری است که با واسطه از ابان بن تغلب، درباره فضایل امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نقل کرده است و به نظر می‌رسد، آنها را از کتاب *النضائل* ابان گرفته باشد.^۱

۱۵. علی بن ابراهیم قمی (زیسته در ۳۰۷ ق^۲)

علی، راوی مورد اعتماد و دارای آثار مکتوب متعددی به روایت حسن بن حمزه علوی (م ۳۵۸ ق) است.^۳ او بیشتر روایات خود را از پدرش، و سپس از محمد بن ابی عمیر نقل کرده^۴ و کلینی، بیشترین سهم را در انعکاس اخبار او ایفا کرده است. علی، از مغازی‌نگارانی مانند: ابن قَدّاح، ابان احمر و ابن ابی عمیر روایت کرده و کتابی به نام *مغازی* نگاشته است^۵ که نمی‌توان درباره محتوای آن به راحتی اظهار نظر کرد. با این حال، با توجه به استفاده از آثار مغازی‌نگاران پیش گفته و اساتید مغازی‌نگاری مانند برقی و ابراهیم ثقفی، تدوین کتاب‌های *المناقب*^۶ و *فضائل امیرالمؤمنین* علیه السلام و نیز بهره از احادیث کوفیان نشر یافته در قم، می‌توان حدس زد که او *مغازی* را با محوریت فضایل نگاشته است. دفاع ابوطالب و حمزه از رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرمان هجرت پس از درگذشت ابوطالب، ایمان ابوطالب، نماز بر

۱. برای اطلاع درباره نمونه‌هایی از این اخبار، رک: ابن عقده، *فضائل امیرالمؤمنین* علیه السلام، ص ۱۹۹؛ ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۱۴، ص ۱۳؛ ابن طاووس، *الطرائف*، ص ۲۴۱؛ همو، *الیقین*، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.

۲. علی بن ابراهیم، در سال ۳۰۷ ق به شاگردش ابن حمزه، نامه نوشته است. (صدوق، *الأمالی*، ص ۳۲۷)

۳. نجاشی، *رجال*، ص ۲۶۰؛ طوسی، *الفهرست*، ص ۱۵۲.

۴. خوبی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۲، ص ۲۱۳ و ۲۱۵ - ۲۱۷.

۵. نجاشی، *رجال*، ص ۲۶۰.

۶. ندیم، *فهرست*، ص ۲۷۷.

پیامبر ﷺ و دفن آن حضرت،^۱ اخباری هستند که می‌تواند برگرفته از معازری او باشد و نگرش وی را در نگارش سیره نشان دهد.

۱۶. عبدالعزیز جلودی (م ۳۳۲ق)

او از عرب‌های آزادی تبار امامیه بصره، در شمار اخباریان و صاحبان سیر^۲ و همتای ابومخنف شمرده شده است.^۳ محمدبن زکریا غلابی (م ۲۹۸ق)، از مورخان پُر اطلاع بصره و مؤلف کتاب الوافدین،^۴ مهم‌ترین استاد او بوده است. او افزون بر آثار فراوان تاریخی، پنج اثر را در سیره نبوی به نام‌های: *خطب النبى ﷺ*، *قطائع النبى ﷺ*، *کُتب النبى ﷺ*، *نسب النبى ﷺ* و *الوفود على النبى ﷺ* و *وابی بکر و عمر آفرید*^۵ و نخستین شیعه‌ای بود که چنین موضوعاتی را با اینکه در آثار پیشینیان وجود داشتند، با هویت مستقل بررسی کرد. با این حال، خطبه‌نگاری پیش از وی، با نگارش خطبه‌های امام علی عليه السلام هویت خود را یافت و ابن مدّینی (م ۳۳۴ق) نیز *خطب النبى ﷺ* را نگاشته بود.^۶ از این رو، جلودی استمراربخش سیره‌نگاری بود و نقشی در توسعه بخشی آن نداشت و شاید به همین سبب، آثار او مستند منابع بعدی نبود و در گذر زمان مفقود شد.

۱۷. احمد بن دؤل قمی (م ۳۵۰ق)

شرح حال این مؤلف پُرکار و آفریننده صد اثر در حوزه فقه، کلام و تفسیر شیعه^۷ یاد شده و منابع بعدی نیز آثار او را چندان حفظ نکرده‌اند. این امر، نشان از کم‌رنگ بودن

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۴۹ - ۴۵۱.

۲. ندیم، فهرست، ص ۱۲۸.

۳. نجاشی، رجال، ص ۲۳۰ و ۲۴۰.

۴. نجاشی، رجال، ص ۳۴۷.

۵. همان، ص ۲۴۳.

۶. اسماعیل پاشا، *ایضاح المکنون*، ج ۱، ص ۴۳۱؛ همان، ج ۲، ص ۲۹۲.

۷. نجاشی، رجال، ص ۹۰.

نقش او در فرهنگ شیعی است. او، نخستین کسی است که امتیازات خَلْقی، خُلُقی و حقوقی رسول خدا ﷺ را با نگارش کتاب *خصائص النبی ﷺ* به طور مستقل بررسی کرد. *خصایص* - شامل مباح، واجب، حرام و کرامت^۱ - بخشی از سیره نبوی است و از آنجا که سیره حضرت، بهترین الگوی عملی مسلمانان است، ضرورت داشت با نگارش کتاب *خصایص*، موارد استثنا بیان شود. تدوین آثار فقهی و نگارش کتاب‌های: *المعجزات*، *شواهد امیرالمؤمنین علیؑ و فضائله، المناقب و المثالب*^۲، رویکرد فضایی فقهی ابن‌دوئل را تأکید می‌کند؛ به‌ویژه اینکه تفسیر او نیز کلامی - روایی است. بر این پایه، می‌توان از خصایص‌نگاری به ذیل نویسی سیره‌نگاری با رویکرد فضایی فقهی یاد کرد؛ به‌خصوص که سیره‌نویسان حرفه‌ای مانند ابن‌اسحاق، به آن اشاره ندارند؛ ولی سیره‌نگارانی مانند قسطلانی (م ۹۲۳ق)^۳ و صالحی شامی (م ۹۴۲ق)^۴، فصولی را به آن اختصاص داده‌اند.

نسائی (م ۳۰۳ق) با نگارش کتاب *خصائص علی (امیر مؤمنان علیؑ)*، پیشگام خصایص‌نگاری است؛ اما شیعه در قرن چهارم، به آن هویتی مستقل بخشید. با این حال، این شاخه علمی، با استقبال مؤلفان روبه‌رو نبود؛ تا اینکه عالمان سنی، آن را در قرون میانی به طور اختصاصی مورد مطالعه قرار دادند و خصایص‌نگاری را توسعه بخشیدند.^۵

۱. طوسی، *المبسوط*، ج ۴، ص ۱۵۲. شیخ، آن را ذیل باب نکاح بحث کرده است.

۲. نجاشی، *رجال*، ص ۹۰.

۳. قسطلانی، *المواهب اللدنیة*، ج ۲، ص ۳۰۱.

۴. صالحی شامی، *سبل الهدی والرشاد*، ج ۱۰، ص ۲۷۴.

۵. ر.ک: اسماعیل پاشا، *هدیة العارفین*، ج ۱، ص ۱۴۱، ۵۲۱، ۷۶۸ و ۷۹۱؛ همان، ج ۲، ص ۲۱۶.

۱۸. شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)

از محدثان و فقیهان برجسته امامیه، مؤلف سیصد اثر روایی، فقهی و تاریخی^۱ و تأثیرگذار بر فرهنگ شیعی است.^۲ کتاب‌های: ابوطالب، عبدالمطلب، عبدالله و آمنه بنت وهب، از آثار صدوق است؛^۳ اما او به دلیل رویکرد و شیوه نگارش، نتوانست در شمار مورخان قرار گیرد. *اوصاف النبی ﷺ*، تنها اثر تاریخی صدوق درباره رسول خداست^۴ که موجود نیست و ارجاع به آن نیز، جز اشارتی در دیگر آثار صدوق، در منابع بعدی یافت نشد. صدوق در این باره، اخباری را در *عیون اخبار الرضا ﷺ* آورده و به کتاب *النبوة و معانی الاخبار* خود ارجاع داده است.^۵ رابطه دو کتاب *النبوة و اوصاف النبی ﷺ* دانسته نیست. اگر این دو نام یک کتاب نباشد، دور از ذهن نیست که کتاب *اوصاف النبی ﷺ* بخشی از کتاب *نبوة* باشد؛ به‌ویژه اینکه شیخ صدوق برخی اوصاف پیامبر خدا ﷺ را به آن ارجاع داده است. این احتمال نیز هست که کتاب *اوصاف النبی ﷺ*، بازتولیدی از کتاب-های *النبوة و معانی الاخبار* باشد که با وجود آنها، چندان نیازی به کتاب *اوصاف* نبوده و در گذر زمان مفقود شده است.

بر اساس خبر ندیم (م. بعد از ۳۸۰ق)، ابوالبختری (م ۲۰۰ق)، از فقیهان اهل سنت و مغازی‌نگاران متهم به جعل حدیث، نخستین مورخی است که با تدوین کتاب *صفة النبی ﷺ* و صف‌نگاری را به عنوان شاخه‌ای مستقل بنیان نهاد و سپس مدائنی (م ۲۲۵ق)،^۶

۱. ابن داوود، رجال، ص ۳۲۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۶ - ۳۷.

۲. صفری، بررسی دو اثر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق، ص ۱۶۹.

۳. طوسی، الفهرست، ص ۲۳۸.

۴. نجاشی، رجال، ص ۳۹۱.

۵. صدوق، *عیون اخبار الرضا ﷺ*، ج ۱، ص ۱۹۱ و ۲۸۲ - ۲۸۵؛ صدوق، *معانی الاخبار*، ص ۷۹ - ۸۹.

۶. ندیم، فهرست، ص ۱۱۳.

ابن مدینی (م ۲۳۴ق)،^۱ ابن‌شعبه (م ۳۵۳ق)^۲ و سپس از میان شیعیان، شیخ صدوق، آن را پی‌گرفت. بر اساس آگاهی‌های موجود در منابع دیگر، احتمال می‌رود شیخ صدوق افزون بر اوصاف اجتماعی و اختصاصی رسول خدا ﷺ، بیشتر به وصف حضرت در تورات و تعالیم اهل کتاب^۳ و وصف جسمانی و ظاهری ایشان^۴ پرداخته باشد.

۱۹. بزوفری واسطی، حسین بن علی (م.ق ۴ق)

از روایان مورد اعتماد شیعه، از وکیلان عصر غیبت صغری و زیسته در سال ۳۵۲ق است.^۵ خبر شیخ طوسی از پرسش مردم قم درباره انکار فرزند از نایب امام زمان ﷺ و ارجاع او به بزوفری،^۶ نشان از جایگاه علمی و ارتباط او با نایب امام ﷺ است. او افزون بر آثار متعدد فقهی، کتاب *ثواب الاعمال* را در فضایل، *الرد علی الواقفه* را در کلام و *سیره النبی ﷺ والأئمة ﷺ فی المشرکین* را نگاشت.^۷ کتاب *سیره النبی ﷺ والأئمة ﷺ فی المشرکین*، تنها اثر بزوفری در حوزه سیره‌نگاری است. از این کتاب، اثر و گزاره‌ای نمانده و فقط با دو احتمال می‌توان به محتوای کتاب نزدیک شد:

یکی برخورد رسول خدا ﷺ با مشرکان، شامل: دعوت، نبرد، مذاکره و صلح که به حوزه سیره‌نگاری در اصطلاح مورخان نزدیک‌تر است و دیگری، بررسی احکام فقهی نبرد با مشرکان بر اساس سنت و سیره رسول خدا ﷺ و امامان ﷺ که در اصطلاح، به آن

۱. اسماعیل باشا، *ایضاح المکنون*، ج ۲، ص ۳۰۹.

۲. زرکلی، *الاعلام*، ج ۷، ص ۱۲۸.

۳. واقدی، *المغازی*، ج ۱، ص ۳۲۸؛ همو، *فتوح الشام*، ج ۲، ص ۳۳؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۲۶۶؛ صدوق، *الامالی*، ص ۳۴۵.

۴. ابن‌شبهه نمیری، *تاریخ المدینه*، ج ۲، ص ۶۰۲؛ طبری، *تاریخ طبری*، ج ۲، ص ۴۲۵ - ۴۲۶.

۵. نجاشی، *رجال*، ص ۵۹.

۶. طوسی، *رجال*، ص ۴۱۰ و ۴۲۳.

۷. نجاشی، *رجال*، ص ۶۸.

سیرنگاری گویند.^۱ عطف امامان علیهم السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله در عنوان کتاب، احتمال دوم را تقویت می‌کند؛ زیرا امامان علیهم السلام نبردی با مشرکان نداشتند؛ همان‌گونه که وجود کتاب احکام العیید در میان آثار بزوفری می‌تواند نشانه‌ای برای احتمال دوم باشد که احکام فقهی بندگان را برای تکمیل همان رویکرد نوشته است. با فرض احتمال دوم، بزوفری، نخستین شیعه امامی است که سیره نبوی را با رویکرد فقهی در برخورد با مشرکان نگاشته و باب فقه السیره را از منظر شیعی به طور مستقل گشوده است؛ اما پیش از وی، محمدبن حسن شیبانی (م ۱۸۹ق) این شاخه را گشوده و به بررسی فقهی برخوردهای نظامی با مشرکان و مخالفان از منظر حنفیان پرداخته است.

۲۰. ابن عمّار کوفی (م ۳۴۶ق)

او از شیعیان برجسته و مورد اعتماد کوفه است و به گفته نجاشی، مؤلف کتاب‌های: *العلل* در حدیث و *اخبار النبی* صلی الله علیه و آله و *ایمان ابی طالب* با نگرش حدیثی در موضوع فضایل و کلام است.^۲ طوسی دو اثر اخیر را یکی شمرده و از *اخبار النبی* به *اخبار آباء النبی* یاد کرده است و نام کامل آن را *اخبار آباء النبی* صلی الله علیه و آله و *فضائلهم وایمانهم وایمان ابی طالب*^۳ دانسته که نگرش کلامی مؤلف را برای اثبات ایمان ابوطالب و پدران رسول خدا صلی الله علیه و آله تأکید می‌کند. بدین سبب، از وی به سیره‌نگار یاد نمی‌شود؛ همان‌گونه که شیخ صدوق نیز با داشتن چنین آثاری، سیره‌نگار شمرده نشد.

۱. ر.ک: سرخسی، *المیسوط*، ج ۱۰، ص ۲.

۲. نجاشی، *رجال*، ص ۹۵.

۳. طوسی، *الفهرست*، ص ۷۵. منابع پسینی نیز نام کتاب را با قید «آباء» به نجاشی نسبت داده‌اند؛ به عنوان

مثال، ر.ک: ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۵، ص ۵۶۶.

نتیجه

سیره‌نگاری شیعه در قرن دوم، در قلمرو جغرافیایی کوفه با رویکرد فضایی - اعتدالی برای برجسته کردن نقش امام علی علیه السلام با مغازی‌نگاری آغاز شد. اندکی بعد، رویکرد فضایی - چالشی را تجربه نمود و در ادامه، همدوش یکدیگر ادامه یافتند و نه اثر را با نام مغازی تا پایان قرن چهارم آفریدند. ابان بن تغلب، مغازی‌نگاری شیعی را بنیان نهاد و ابان احمر، نخستین مغازی‌نگاری بود که با نام‌گذاری سیره به «المبعث و المغازی» دو عصر مکی و مدنی را تفکیک کرد و با انضمام سه محور تاریخ انبیا، سیره نبوی و بخشی از تاریخ عصر خلافت در یک کتاب، به نوعی زمینه‌ساز تاریخ‌نگاری عمومی شد.

نقل از مغازی‌نگاران نخستین در مغازی‌نگاشته‌های پسینی شیعه، نشان می‌دهد که شیعه برای حفظ رویکرد خود، تلاش داشته مغازی‌نگاشته‌های پیشینی شیعه را روایت نماید و به نسل‌های بعدی منتقل کند. برخی سیره‌نگاران شیعی نیز از همان قرن دوم، به ریزموضوعات توجه کردند و سیره‌نگاری را با ۲۴ اثر در محورهای سیره شخصی، سیره سیاسی - نظامی، سیره اجتماعی و ویژگی‌های شخصی و شخصیتی رسول خدا صلی الله علیه و آله استمرا بخشیدند. پیشینه بیشتر ریزموضوعات، در آثار غیرشیعه رصدپذیر است؛ اما شیعیان آنها را با رویکرد شیعی و به طور کلی، نگرش فضایی نگاشته و در مواردی به شاخه‌ای مستقل در سیره‌نگاری تبدیل کردند.

عمده دستاورد سیره‌نگاری شیعه، نوعی مقابله با سیره‌نگاری مخالفان بود که سبب شد رویکرد فضایی را برگزینند و از آرای امامان علیهم السلام بهره ببرند و با سیره‌نگاری مدینه رقابت کنند. سیره‌نگاران شیعی، جز ابومخنف و شاگردش هشام کلبی، همگی رویکرد حدیثی، فقهی - کلامی داشتند. بیست‌وسه تن عرب و عجم، به طور تقریباً مساوی، در سیره‌نگاری شیعی تا قرن پنجم سهمیم بودند و این سخن که خاستگاه سیره‌نگاری، شیعی - عجمی است و عرب‌ستیزی و دستیابی به منافع ملی را هدف قرار داده است، علمی نمی‌نماید. به لحاظ فکری، باید از یک تن فطحی مذهب و دو تن غالی یاد کرد که تأثیر آنان بر

سیره‌نگاشته‌های پسینی دانسته نیست. افزون بر اینها، دو رویکرد هم‌گرا یا تعاملی و واگرا یا تبری‌گرا در سیره‌نگاری شیعی با هدفی مشترک، همدوش شدند و به رقابت برخاستند و در مجموع، سبب استمرار و ارتقای سیره‌نگاری شدند؛ با این تفاوت که رویکرد واگرایی، در پیدایش سیره‌نگاریِ غالبانِ سهیم شد. برخی از این سیره‌ها، به دلیل استمراری‌بودن و پیدایش آثار جامع‌تر، به فراموشی سپرده شدند؛ به‌گونه‌ای که حتی نقلی از آنها در منابع پسینی وجود ندارد.



منابع

١. قرآن کریم.
٢. آقابزرگ تهرانی (م ١٣٨٩ق)، *الذريعة الى تصانيف الشيعة*، بيروت: دار الاضواء، سوم، ١٤٠٣ق.
٣. ابن ابی الحدید، عبدالحمید (م ٦٥٦ق)، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: داراحیاء الکتب العربیة، اول، ١٣٧٨ق.
٤. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن (م ٣٢٧ق)، *الجرح و التعديل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول، ١٣٧٣ق.
٥. ابن حجر، احمد بن علی (م ٨٥٢ق)، *لسان المیزان*، بیروت: الأعلمی، دوم، ١٣٩٠ق.
٦. —، *الاصابة*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت: دار الکتب العلمیة، اول، ١٤١٥ق.
٧. —، *تقریب التهذیب*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت: دار الکتب العلمیة، دوم، ١٤١٥ق.
٨. —، *تهذیب التهذیب*، بیروت: دار الفکر، اول، ١٤٠٤ق.
٩. ابن داوود حلّی، تقی الدین (م ٧٤٠ق)، *رجال*، تحقیق بحر العلوم، نجف: الحیدریة، ١٣٩٢ق.
١٠. ابن سعد، محمد (م ٢٣٠ق)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار صادر، [بی جا]، [بی تا].
١١. ابن شبه نمیری، عمر (م ٢٦٢ق)، *تاریخ المدینة*، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم: دار الفکر، ١٣٦٨ش.
١٢. ابن طاووس، علی بن موسی (م ٦٦٤ق)، *الطرائف*، قم: خیام، اول، ١٣٩٩ق.
١٣. —، *الیقین*، تحقیق انصاری، قم: دار الکتب، اول، ١٤١٣ق.
١٤. ابن عدی، ابواحمد بن عبدالله (م ٣٦٥ق)، *الکامل فی ضعف الرجال*، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دار الفکر، [بی جا]، ١٤٠٩ق.
١٥. ابن عساکر، علی بن الحسن (م ٥٧١ق)، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شیری، قم: دار الفکر، [بی جا]، ١٤١٥ق.
١٦. ابن عقده کوفی، احمد (م ٣٣٣ق)، *الولایة*، گردآوری و تحقیق عبدالرزاق حرزالدین، [بی جا]:

[بی نا]، [بی چا]، [بی تا].

۱۷. —، فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، تحقیق عبدالرزاق محمد حرزالدین، [بی جا]: [بی نا]، [بی چا]، [بی تا].

۱۸. ابن عماد حنبلی، عبدالحی عکری (م ۱۰۸۹ق)، شذرات الذهب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی چا]، [بی تا].

۱۹. ابن غضائری، احمد بن حسین (م ۵ق)، رجال، تحقیق سید محمدرضا جلالی، قم: دار الحدیث، اول، ۱۴۲۲ق.

۲۰. ابن قولویه، محمد بن جعفر (م ۳۶۸ق)، کامل الزیارات، تحقیق قیومی، قم: النشر الاسلامی، اول، ۱۴۱۷ق.

۲۱. ابن کثیر، اسماعیل (م ۷۷۴ق)، البدایة والنہایة، تحقیق علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۰۸ق.

۲۲. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین (م ۳۵۶ق)، الاغانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی چا]، ۱۴۱۵ق.

۲۳. ابوطالب زیدی، یحیی (م ۴۲۴)، تیسیر المطالب، تحقیق جعفر بن احمد بن عبدالسلام، بیروت: الاعملى، اول، ۱۳۹۵ق.

۲۴. ابونعیم، احمد بن عبدالله (م ۴۳۰ق)، الضعفاء، تحقیق فاروق حماد، [بی جا]: دار الثقافة - الدار البيضاء المغرب، [بی تا].

۲۵. احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)، العلل ومعرفة الرجال، تحقیق وصی الله بن محمود، ریاض: دار الخانی، اول، ۱۴۰۸ق.

۲۶. اسماعیل پاشا بغدادی (م ۱۳۳۹ق)، ایضاح المکنون، تصحیح رفعت، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی چا]، [بی تا].

۲۷. —، هدیه العارفين، استانبول: [بی چا]، ۱۹۵۱م.

۲۸. امین، سید محسن (م ۱۳۷۱ق)، اعیان الشیعة، بیروت: دار المعارف، [بی چا]، [بی تا].

۲۹. بحر العلوم، محمد مهدی (م ۱۲۱۲ق)، الفوائد الرجالیة، تحقیق محمد صادق و حسین بحر العلوم،

- تهران: مکتبه الصادق علیه السلام، اول، ۱۳۶۳ ش.
۳۰. بخاری، محمد بن اسماعیل (م ۲۵۶ ق)، *التاریخ الصغیر*، تحقیق محمد ابراهیم زائد، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۶ ق.
۳۱. —، *التاریخ الکبیر*، اشراف محمد عبدالمعید خان، ترکیه: المکتبه الاسلامیه، [بی‌جا]، [بی‌تا].
۳۲. برخی محدثان (م ق ۴ ق)، *لقاب الرسول وعترتہ*، قم: مرعشی نجفی، [بی‌جا]، ۱۴۰۶ ق.
۳۳. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر اسفراینی (م ۴۲۹ ق)، *الفرق بین الفرق*، تحقیق محمد محیی‌الدین، بیروت: دار المعرفة، [بی‌جا]، [بی‌تا].
۳۴. بلاذری، احمد بن یحیی (م ۲۷۹ ق)، *انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دار الفکر، اول، ۱۴۱۷ ق.
۳۵. تستری، محمد تقی (م ۱۳۷۴ ق)، *قاموس الرجال*، قم: النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۱۰ ق.
۳۶. جعفریان، رسول (معاصر)، «تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»، تاریخ در آیین پژوهش، ۱۳۷۵، ش ۴۱.
۳۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (م ۴۰۵ ق)، *معرفة علوم الحدیث*، تصحیح سید معظم حسین، بیروت: دار الآفاق الحدیث، چهارم، ۱۴۰۰ ق.
۳۸. حسینیان مقدم، حسین (معاصر)، «نقش امام سجاد علیه السلام در تحریف‌زدایی از سیره نبوی»، پژوهش‌های تاریخی، ۱۳۹۵، ش ۱.
۳۹. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (م ۷۲۶ ق)، *خلاصة الاقوال*، تحقیق بحر العلوم، قم: رضی، اول، ۱۴۰۲ ق.
۴۰. خصیبی، حسین بن حمدان (م ۳۳۴ ق)، *الهدایة الکبری*، بیروت: البلاغ، چهارم، ۱۴۱۱ ق.
۴۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی (م ۴۶۳ ق)، *الجامع لاخلایق الراوی*، تحقیق محمود الطحان، ریاض: مکتبه المعارف، [بی‌جا]، ۱۴۰۳ ق.
۴۲. —، *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۷ ق.
۴۳. خوبی، ابوالقاسم (م ۱۴۱۳ ق)، *شرح العروة الوثقی*، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، دوم، ۱۴۲۶ ق.

۴۴. —، معجم رجال الحديث، تحقيق لجنة التحقيق، پنجم، ۱۴۱۳ق.
۴۵. ذهبی، محمد بن احمد (م ۷۴۸ق)، الكاشف، تحقيق عوامة ونمر الخطيب، جدّة: دار القبلة، اول، ۱۴۱۳ق.
۴۶. —، تاريخ الاسلام، تحقيق تدمري، بيروت: دار الكتاب العربي، دوم، ۱۴۰۷ق.
۴۷. —، سير اعلام النبلاء، تحقيق الأرنوؤط وحسين الاسد، بيروت: الرسالة، نهم، ۱۴۱۳ق.
۴۸. —، ميزان الاعتدال، تحقيق البجاوي، بيروت: دار المعرفة، اول، ۱۳۸۲ق.
۴۹. راغب اصفهاني، حسين بن محمد (م ۵۰۲ق)، محاضرات، بيروت: دار أرقم، ۱۴۲۰ق.
۵۰. زبير بن بكار (م ۲۵۶ق)، الاخبار الموقفيات، تحقيق العاني، قم: رضی، ۱۴۱۶ق.
۵۱. زرکلی، خير الدين (م ۴۱۰ق)، الأعلام، بيروت: دار العلم للملايين، پنجم، ۱۹۹۲م.
۵۲. سخاوي، محمد بن عبد الرحمن (م ۹۰۲ق)، الاعلان بالتوبيخ، بيروت: دار الكتب العلمية، [بی چا]، ۱۳۹۹ق.
۵۳. سرخسی، محمد بن ابی سهل (م ۴۸۳ق)، المبسوط، بيروت: دار المعرفة، [بی چا]، ۱۴۰۶ق.
۵۴. —، شرح السير الكبير، تحقيق صلاح الدين المنجد، مصر: مطبعة مصر، [بی چا]، ۱۹۶۰م.
۵۵. سزگين، فؤاد (معاصر)، تاريخ التراث العربي، ترجمه حجازي، قم: كتابخانه مرعشي، دوم، ۱۴۱۲ق.
۵۶. سمعاني، عبد الكريم بن محمد (م ۵۶۲ق)، الانساب، تحقيق البارودي، بيروت: دار الجنان، اول، ۱۴۰۸ق.
۵۷. شهرستاني، محمد بن عبد الكريم (م ۵۴۸ق)، الملل والنحل، تخريج محمد بدران، قاهرة: مكتبة الانجلو المصرية، [بی چا]، [بی تا].
۵۸. صالحی شامی، محمد بن یوسف (م ۹۴۲ق)، سبل الهدى والرشاد، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، اول، ۱۴۱۴ق.
۵۹. صدوق، محمد بن علی (م ۳۸۱ق)، الامالی، تحقيق ناشر، قم: البعثة، اول، ۱۴۱۷ق.
۶۰. —، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تحقيق اعلمی، بيروت: الاعلمی، [بی چا]، ۱۴۰۴ق.
۶۱. —، کمال الدين، تصحيح غفاری، قم: النشر الاسلامی، [بی چا]، ۱۴۰۵ق.

۶۲. —، معانی الأخبار، تحقیق غفاری، قم: النشر الاسلامی، [بی‌جا]، ۱۳۶۱ ش.
۶۳. صفدی، خلیل‌بن‌ایبک (م ۷۶۴ق)، الوافی بالوفیات، تحقیق الأناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار احیاء التراث، [بی‌جا]، ۱۴۲۰ق.
۶۴. صفری، نعمت‌الله (معاصر)، «بررسی دو اثر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق»، مجله نامه تاریخ پژوهان، ۱۳۸۶، ش ۱۰.
۶۵. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (م ۵۴۸ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، تحقیق ناشر، قم: آل‌البتیة، [بی‌جا]، ۱۴۱۷ق.
۶۶. طبری، محمدبن‌جریر (م ۳۱۰ق)، تاریخ الامم والملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، دوم، ۱۳۸۷ق.
۶۷. طوسی، محمدبن‌حسن (م ۴۶۰ق)، اختیار معرفة الرجال، تحقیق رجائی، قم: آل‌البتیة، [بی‌جا]، ۱۴۰۴ق.
۶۸. —، الأمالی، تحقیق البعثة، قم: دار الثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.
۶۹. —، النبیة، تحقیق تهرانی و ناصح، قم: المعارف الاسلامیة، اول، ۱۴۱۱ق.
۷۰. —، الفهرست، تحقیق قیومی، قم: الفقاهاة، اول، ۱۴۱۷ق.
۷۱. —، المبسوط، تحقیق بهبودی، تهران: المرتضویة، دوم، ۱۳۸۸.
۷۲. —، رجال، تحقیق قیومی، قم: النشر الاسلامی، اول، ۱۴۱۵ق.
۷۳. طیبی، محمد (معاصر)، «سیره‌نگاری در تاریخ اسلام»، نامه تاریخ پژوهان، ۱۳۸۶، ش ۸ و ۹.
۷۴. عیاشی، محمدبن‌مسعود (۳۲۰ق)، تفسیر عیاشی، تحقیق رسولی، تهران: المكتبة العلمیة الاسلامیة، [بی‌جا]، [بی‌تا].
۷۵. قسطلانی، احمدبن‌محمد (م ۶۳۶ق)، المواهب اللدنیة، بیروت: دار الکتب العلمیة، [بی‌جا]، ۱۴۱۲ق.
۷۶. کلینی، محمدبن‌یعقوب (م ۳۲۹ق)، الکافی، تحقیق غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، پنجم، ۱۳۶۳ ش.
۷۷. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۱ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق.

۷۸. میزّی، یوسف (م ۷۴۲ق)، تهذیب الّکمال، تحقیق بشار عوّاد، بیروت: الرسالة، اول، ۱۴۱۳ق.
۷۹. مسعودی، علی بن الحسین (م ۳۴۶ق)، مروج الذهب، قم: دار الهجرة، دوم، ۱۴۰۹ق.
۸۰. مفید، محمد بن محمد (م ۴۱۳ق)، الأمالی، تحقیق غفاری و استادولی، قم: المؤتمر... المفید، دوم، ۱۴۱۳ق.
۸۱. نجاشی، احمد بن علی (م ۴۵۰ق)، رجال، تحقیق شبیری زنجانی، قم: النشر الاسلامی، پنجم، ۱۴۱۶ق.
۸۲. ندیم، محمد بن اسحاق (م بعد از ۳۸۰ق)، فهرست، تحقیق تجدد، [بی جا]، [بی تا].
۸۳. نوری طبرسی، میرزا حسین (م ۱۳۲۰ق)، نفس الرحمان، تحقیق قیومی، قم: الآفاق، اول، ۱۴۱۱ق.
۸۴. نویری، احمد بن عبد الوهاب (م ۷۳۲ق)، نهاية الأرب، قاهره: وزارة الثقافة والارشاد، [بی جا]، [بی تا].
۸۵. واقدی، محمد بن عمر (م ۲۰۷ق)، المغازی، تحقیق جونس، بیروت: الاعلمی، اول، ۱۴۰۹ق.
۸۶. —، فتوح الشام، بیروت: دار الجیل، [بی جا]، [بی تا].
۸۷. وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ق)، تعلیقه علی منهج المقال، [بی جا]، [بی جا]، [بی تا].
۸۸. یعقوبی، احمد بن واضح (م ۲۹۲ق)، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر، [بی جا]، [بی تا].

